

## قرآن کتاب آموزش انسانیت



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد حمد و شکر الهی و سلام و درود فراوان بر محمد مصطفی (ص) و اهل بیت

طاهرینش

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

اسراء ایه 9

بی تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند، مژده می دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است

از مهمترین ویژگیهای قران کریم انست که کتاب انسانیت است. یعنی مرتب انسان ها را سفارش کرده که به هم کمک کنید. دست هم رو بگیرید. به هم رحم کنید. از خطاهای هم بگذرید و عفو کنید و....

ولی عده ای که اصلاً لای قران را باز نکرده اند با قران مخالفت می کنند و میگویند برای ما فقط انسانیت مهم است! و کتاب قران مال هزار سال قبل است برای ما فایده ای ندارد!

اینان کسانی هستند که قضاوت عجولانه می کنند و انقدر بی انصاف هستند که بدون مطالعه قران، ان را رد می کنند!

در هر حال انهایی که اهل تدبر در قران هستند می دانند چقدر قران کتاب آموزش انسانیت است.

اگر چه در قران به عبادات و اخلاقیات هم مرتب توصیه نموده است. اما همین عبادات و اخلاقیات هم اگر کسی انجام دهد تبدیل میشود به یک ادم نیکوکار. ادم خوش اخلاق. ادم مهربان. ادم خیلی خوب

نمونه ان اهل بیت هستند که با اینکه خیلی عبادت می کردند اما در عین حال مهربان ترین و خوش اخلاق ترین و نیکوکارترین افراد بودند. مرتب به نیازمندان کمک می کردند. افرادی که به اهل بیت ازار و اذیت می رساندند اهل بیت انها را عفو می نمودند. و خود اهل بیت هیچوقت کسی رو اذیت نکردند. به کسی ظلم نکردند. کسی رو مسخره نکردند. والدین و فرزندان خود را احترام می کردند و از نظر اخلاقی بهترین ها بودند.

اهل بیت با گفتار و اعمال خود درس انسانیت را به همه اموختند. اهل بیت در حقیقت قران ناطق بودند و همه خوبیهای انها از عمل به قران نشات گرفته بود.

هر کسی به قرآن عمل کند در انسانیت به درجات بالا می رسد و هرگز به کسی  
ظلم نمی کند و با همه مهربان خواهد بود.

ما تعدادی از آیات را که توصیه به انسانیت کرده را در این کتاب گرد آورده ایم  
انشالله به آنها در طول زندگی عمل کنیم.

زمستان 1404. کرمانشاه

قرآن میگه به نیازمندان کمک کنید

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

بقره ایه 3

آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند.

از خصوصیات مومنین آنست که اهل انفاق به نیازمندان هستند.

قرآن در دهها ایه ما را به انفاق سفارش کرده است که اگر همه به این سفارش عمل کنند دیگر نیازمندی وجود نخواهد داشت ولی متأسفانه انفاق کنندگان کم هستند. با اینکه افراد زیادی ثروتمند هستند ولی اکثراً بخیل و خسیس هستند! امیرمومنان(ع) می فرماید اگر ثروتمندان هر شهری به وظیفه انفاق عمل کنند دیگر در آن شهر کسی فقیر نخواهد بود.

جرا باید عده ای همه چیز داشته باشند و عده ای هم ندار باشند و نیازمند ضروریات زندگی باشند. زیرا اکثر افراد متمکن فقط به فکر خود و خانواده خود هستند و کاری به دیگران ندارند.

سعدی گفته:

تو کز محنت \*\*دیگران\*\* بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی!

اگر مسلمانی بتواند به نیازمندان کمک کند ولی خساست کند و کمک نکند در قیامت گیر است.

پیامبر ما فرمود هر که صبح کند و به فکر رفع مشکل از مسلمانان نباشد مسلمان نیست.

متأسفانه عده ای از همین افرادی که با قرآن مخالفند و ادعا می کنند برای ما انسانیت مهم است هیچوقت در زندگی خود به نیازمندان کمکی نکرده اند و فقط دنبال تفریح و عیاشی و سفر به کشورهای اروپایی و امریکا و کانداد بوده اند. ولی مرتب می گویند برای ما انسانیت مهم است! انشالله که خدا اینهارا به راه راست هدایت کند!

قرآن میگه حق مسخره کردن کسی رو نداری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ [\[3\]](#) الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند

درباره مسخره کردن دیگران به مقاله خانم الهه رفتار اشاره میشود:

مسخره کردن و شوخی بی مورد از بی خردی است و کار انسان های نادان می باشد . امام هادی (علیه السلام)

فردی را تصور کنید که در جمعی حضور دارد و افراد آن جمع مدام در حال تمسخر او هستند. دیگران او را مسخره می کنند و او لحظه به لحظه بیشتر در خود فرو می رود، عذاب می کشد، دانه های عرق مدام از پیشانی اش فرو می ریزد و بغض پشت گلویش می نشیند.

موقعیت بالا برای شما آشنا نیست؟ حتما شما هم می توانید حس عذاب او را درک کنید؛ زیرا تقریباً همه ما حتما جملات تمسخرآمیزی را درباره خودمان یا دیگران، شنیده ایم. جمله هایی که سبب آزار عمیق ما می شوند و به ما می گویند، مورد تمسخر واقع شده ایم. اما تمسخر دقیقاً به چه معناست؟ به چه کاری مسخره کردن دیگران گفته می شود؟ چه کسانی به تمسخر دیگران می پردازند؟

ما در اینجا قصد داریم به این سوالات جواب دهیم و ریشه های روانی و دلایل مسخره کردن را بررسی کنیم؛ زیرا شناخت این افراد به ما کمک می کند. روش های درست مواجهه با آنها را پیش بگیریم.

## علت مسخره کردن چیست؟

تمسخر»، «طعنه» یا «کنایه زدن» در لغت به معنای به کار بردن کلمات ناشایست « به قصد تخریب و تحقیر شخصیت دیگری است. روان‌شناسان این رفتار را یک سازوکار ناسالم برای مقابله با خشم و ناامیدی‌های سرکوب‌شده در افراد می‌دانند که درون آن‌ها ریشه دوانده و درمان نشده است. جان فردریکسون در کتاب دروغ‌هایی که به خود می‌گوییم به بیان این موضوع می‌پردازد که گاهی افراد با انکار مشکلات خود، موجب تشدید حالات روانی منفی در خود می‌شوند.

به سخره گرفتن هم حالتی منفی در ذهن است که درمان نشده و فرد آن را انکار می‌کند. افرادی که در موقعیت‌ها و لحظه‌های مختلف اقدام به این کار می‌کنند، از نظر روانی در حال تجربه نوعی از تنش هستند. در نتیجه، فرد، تنش خود را در قالب کلماتی ناخوشایند و به قصد تحقیر و به سخره گرفتن دیگران، ابراز می‌کند. تا از تنش روانی خود بکاهد.

مسخره کردن دیگران، عادت چه افرادی است؟

با نگاهی به رابطه‌ها و مراوده‌های عاطفی یا شغلی خود به راحتی درمی‌یابیم که همه افراد عادت به مسخره کردن دیگران ندارند. به گفته روانشناسان، معمولاً افرادی به سراغ تحقیر و تمسخر دیگران و حتی افراد نزدیک و دوستانشان می‌روند که در دوران کودکی دچار انواع آسیب‌های روحی و جسمی شده‌اند. برای مثال، فردی که از ابتدای تولد، نیازهای حیاتی‌اش بدون پاسخ مانده‌اند، دچار دلبستگی ناایمن خواهد شد. او در نتیجه این دلبستگی ناسالم به این نتیجه می‌رسد که نمی‌شود به دیگران اعتماد و به آن‌ها تکیه کرد؛ پس دنیا جای خطرناکی است.

در نتیجه‌ی همین نگرش است که در موقعیت‌های مختلف احساسات منفی خود مثل نگرانی، خشم، ترس و ناامنی را به شکل‌های مختلفی همچون تمسخر

دیگران نشان می‌دهیم. جفری یانگ در کتاب زندگی خود را دوباره بیافرینید، به‌خوبی به ما نشان می‌دهد شرایطی که در آن به دنیا آمده‌ایم و بزرگ شده‌ایم چه تاثیر بزرگی بر شخصیت کنونی ما دارد.

از دلایل دیگری که به عنوان ریشه‌های روانی به سخره گرفتن دیگران شناخته شده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### خشم و عقده حقارت

هرگاه شاهد این بودیم که فردی مدام در حال تحقیر و تمسخر دیگران است باید بدانیم که او دچار خشمی است که از طریق این ۲ روش، آن را نشان می‌دهد؛ یعنی فرد بدون آگاهی از نقاط ضعف و عیوب خود و عقده حقارتی که دارد، آن‌ها را به دیگران نسبت می‌دهد. یکی از بهترین کتاب‌هایی که می‌تواند در شناخت این نقاط ضعف و عیوب به ما کمک کند، کتاب نیمه تاریک وجود است.

فردی که نیمه تاریک خود را نمی‌شناسد با فرافکنی، نقص‌ها و نقاط تاریک وجود خود را به دیگران نسبت می‌دهد تا از پذیرش آن‌ها سر باز بزند. برای مثال کسی که نمی‌تواند به خوبی با دیگران ارتباط دوستانه‌ای برقرار کند، مدام اجتماعی بودن و روابط افراد را به سخره می‌گیرد یا به آن‌ها لقب افراد علاف یا بیکار را می‌دهد.

### خودشیفتگی

علاوه بر افرادی که همواره دچار نوعی خشم هستند، افراد مسخره‌کننده دیگری شده‌اند. (Narcissistic) هم وجود دارند که دچار اختلال شخصیت خودشیفته این افراد احساس خودبزرگ‌بینی دارند و خود را فرد مهم و تاثیرگذاری می‌دانند. در صورتی که همان‌طور که کریس وایدنر در کتاب هنر تاثیر گذاری

می‌گویند، آدم‌ها مجذوب کسانی می‌شوند که دارای صفات مثبت باشند؛ پس خودشیفتگی به‌هیچ‌عنوان سبب تاثیرگذاری نمی‌شود.

اگر دل‌تان نخواست که با آن‌ها رک حرف بزنید، می‌توانید به شوخی و بدون مستقیم‌گویی اثرات حرف او را خنثی کنید. مثلاً اگر کسی شغل یا مهارت شما را مسخره کرد، می‌توانید به او لب‌خند بزنید و بگویید «ولی من از این شغل پول خوبی». درمیارم و خیلی دوستش دارم

در چنین مواقعی می‌توانید از حس شوخ‌طبعی خود و طنز هم استفاده کنید. البته باید این نکته را بدانید که شوخی یا طنز شما نباید مثل رفتار او جنبه مسخره‌آمیز داشته باشد؛ بلکه باید مودبانه باشد و پرخاشگری را القا نکند.

با او خصوصی حرف بزنید

اگر در جمعی مورد تمسخر واقع شدید، لازم است که شما رفتار شایسته‌ای در پیش بگیرید و مثل او در جمع، واکنشی نشان ندهید. اگر کسی در یک جلسه

کاری، مهمانی، سخنرانی و... شخصیت شما رو زیر سوال برد، فرصت مناسبی  
برای یک گفت‌وگوی دونفره فراهم کنید و با او حرف بزنید

در چنین گفت‌وگویی سعی کنید آرامش خود را حفظ کنید و به جای به کار بردن  
ضمیر «تو» که نشانه سرزنش و متهم کردن دارد، از ضمیر «من» استفاده کنید.  
چطور؟ یعنی به جای این که نوک پیکان انتقاد را به طرف او بگیرید از احساس  
ناخوشایند خودتان در مورد رفتار او حرف بزنید. مثلاً بگویید «وقتی در مهمانی با  
آن جمله‌ها من را خطاب کردی، احساسی خوبی نداشتم. من نمی‌فهمم که چرا  
» باید مخاطب چنین جمله‌هایی باشم

تمسخر کودکان

به عنوان نکته پایانی باید به این موضوع اشاره کنیم که رفتارهای تمسخرآمیز  
عموماً بین بزرگسالانی که هم سن و سال هستند، اتفاق نمی‌افتد. گاهی ما به عنوان  
والد، مربی، معلم، یکی از نزدیکان کودکان، خواسته و ناخواسته ویژگی‌های  
ظاهری یا شخصیتی آن‌ها را مسخره می‌کنیم و از آسیب‌های روانی‌ای که به  
فرزندان خود - کودکان و نوجوانان - می‌زنیم، غافلیم

قران میگه عدالت پیشه کن و حتی با دشمنت هم با عدالت برخورد کن

ان الله يامر بالعدل و الاحسان...

خدا دستور می دهد به عدالت پیشه کردن و نیکی کردن به دیگران

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

حدید ایه 25

همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی

تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند

امیرالمومنین (ع) میفرماید: «وَاللَّهِ لَأَنَّ آيَةَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مَسْهَدًا أَوْ أُجْرًا فِي

الْأَغْلَالِ مُصَفَّدًا»، اگر سخت ترین شکنجه ها را به من بدهند، با بدن برهنه من را

روی خارها بکشانند و مانند اینها، «أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ» همه ی اینها برای من بهتر از این است که من روز قیامت خدا

!را ملاقات کنم در حالی که به یک نفر ظلم کرده باشم

پیامبر اعظم (ص) به عنوان خاتم الانبیاء و برترین پیامبران الهی از سوی خداوند متعال مأمور شد که عدالت را در جامعه برپا دارد. خداوند متعال در مورد این مأموریت می فرماید: «و قل ءامنت بما انزل الله من کتاب و امرت لا عدل بینکم؛» (ای پیامبر بگو: به هر کتابی که خداوند نازل کرده است ایمان آورده ام، و مأمور هستم که در میان شما به عدالت رفتار کنم)

پیامبر اعظم (ص) می فرماید: ساعتی عدالت از هفتاد سال عبادتی که شبهایش، نماز شب و روزهایش به روزه بگذرد، بهتر است

پیامبر اعظم (ص) وقتی لشکر اسلام را بسیج می کرد سپاه را با تمام افراد لشکر احضار نموده و به ایشان می فرمود: «بروید بنام خدای تعالی و استقامت جوئید به خدای و در راه خدا و بر ملت پیغمبر خدا جهاد کنید. مکر نکنید، از غنائم سرقت نکنید و کفار را بعد از قتل مثله نکنید و پیران و اطفال و زنان را نکشید و رهبانان را که در غارها و بیغوله ها جای دارند بقتل نرسانید، حیوانات حلال گوشت را نکشید مگر اینکه برای تغذیه به آنها نیاز داشته باشید. هرگز آب مشرکان را زهر آلود نکنید. شیخون بر دشمن نزنید. درختان را از بیخ قطع نکنید مگر اینکه مضطر باشید و درختان میوه را برنیاورید و حرث و زرع و نخلستان را نسوزانید و

می فرمود: من بیشتر دوست دارم که شما را در موقع مراجعت (از جهاد) همراه با مردمی بینم که به اسلام گرویده اند نه با عده ای کودکان و زنانی که پدران و شوهران آنها را کشته باشید.

هنگامی که پیامبر اعظم (ص) نزد قبیله یهودی بنی نضیر رفت تا در پرداخت دیه دو مقتول از طایفه بنی عامر که به دست «عمرو بن امیه» (یکی از مسلمانان) کشته شده بود، از آنها یاری و کمک بگیرد (بر اساس پیمانی که با رسول خدا بسته بودند بنی نضیر متعهد شده بود کمک کند) آنان در نهان توطئه کردند که رسول خدا (ص) را به قتل برسانند. خداوند رسول اعظم (ص) را آگاه کرد. و پیامبر (ص) دستور آماده باش برای جنگ به مسلمانان داد و این آیه درباره یهودیان توطئه گر و پیمان شکن که مسلمانان از آنان کینه به دل داشتند نازل شد. «...و لا یجرمنکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی...» ( ) هرگز دشمنی با قومی شما را به بی عدالتی وادار نکند، به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیکتر است.»

به مسلمانان تذکر داد تا مبادا به خاطر دشمنی که با یهود دارند به بی عدالتی با آنها رفتار کنند. این در حالی بود که بنی النضیر با پیامبر (ص) پیمان بسته بودند که هرگز بر ضرر رسول خدا (ص) و یاران او قدمی بر ندارند و به وسیله زبان و

دست ضرری به او نرسانند... هرگاه بر خلاف متن پیمان رفتار کنند، دست پیامبر در ریختن خون و ضبط اموال و اسیر کردن زنان و فرزندان آنها باز خواهد بود. ( )  
با این حال پیامبر اعظم (ص) با عدالت و مهربانی و گذشت با آنها رفتار نمود و به کمتر از آن چیزی که به آنها قرار گذارده بود مجازات نمود.

هنگامی که پیامبر اعظم (ص) «خالد بن ولید» را برای تبلیغ و شکستن بت «عزی» به سرزمین قبیله «جذیمه بن عامر» رهسپار کرد و به او دستور داد که خونی نریزد و از در جنگ وارد نشود، اما وی به دستور پیامبر عمل نکرد و عده ای از بنی جذیمه را به قتل رساند. وقتی خبر جنایت خالد به گوش پیامبر رسید. سخت ناراحت شد. فوراً به علی (ع) مأموریت داد که به میان قبیله مزبور برود و خسارت جنگ و خونبهای افراد را به طور دقیق بپردازد. علی (ع) در اجرای دستور پیامبر به قدری دقت به خرج داد که حتی قیمت ظرف چوبی که سگان قبیله در آن آب می خوردند و در برخورد خالد شکسته شده بود، پرداخت

علی (ع) این دست پرورده پیامبر اعظم (ص) کار عدالت را به فرمان پیامبر (ص) به چنان صحنه ای زیبا و به یادماندنی تبدیل کرد تا صحنه جنایات خالد از ذهن مردمان کمی زدوده شود. علی (ع) حتی مبلغی به کسانی که از حملات خالد ترسیده بودند پرداخت و کاملاً از آنان دلجوئی کرد. پیامبر اعظم (ص) روش

عادلانه علی(ع) را تحسین کرد و سپس رو به قبله ایستاد و به حالت استغاثه گفت:  
«خدایا تو آگاهی که من از جنایت خالد بیزارم و من هرگز به او دستور جنگ  
». ( ) نداده بودم

پیامبر اعظم(ص) سفارش می نمایند که اگر دوست دارید فرزندانان در هنگام  
نیاز در نیکی کردن و محبت کردن به شما با عدالت رفتار کنند و از خط و مدار  
عدل خارج نشوند شما هم در کار بخشش بین آنها با عدالت رفتار کنید: «اعدلو  
بین أولادکم بالنحل کما تحبون أن یعدلوا بینکم فی البر و الطف؛ ( ) شما که می  
خواهید فرزندانان در نیکی و محبت با شما به عدالت رفتار کنند در کار بخشش  
». با آنها با عدالت رفتار کنید

پیامبر اعظم(ص) حتی در بوسیدن کودکان، امت و پیروان خود را به عدالت  
سفارش می کردند. علی(ع) می فرماید: پیامبر اعظم(ص) مردی را دید که دو  
کودک داشت یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. آن حضرت فرمود: چرا بین  
آنان با عدالت رفتار نمی کنی؟

بنابراین قرآن همه را به عدالت در همه امور فراخوانده و قرآن دارد به ما آموزش  
عدالت ورزی می دهد

قرآن میگه جان انسان انقدر ارزشمند است اگر جان یکی رو نجات بدی مانند اینه که

چنان همه انسان هارا جات داده ای

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَآئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي  
الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ  
جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ

مائده ایه 32

به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای  
حق، [قصاص] یا بدون آنکه فساد در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که  
همه انسان ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی  
همه انسان ها را زنده داشته است. و یقیناً پیامبران دلایل روشنی برای بنی اسرائیل  
آوردند، سپس بسیاری از آنان بعد از آن در روی زمین به [تجاوز از حدود حق و  
فساد و] زیاده روی برخاستند...

با این همه اهمیت زنده نگه داشتن یک انسان ما می بینیم قدرتهای ظالم مانند  
امریکا و اسرائیل اینهمه انسان مظلوم را به قتل می رسانند و سازمان های حقوق  
بشر کاری نمی کنند و بی تفاوت نظاره گرند.

## قرآن میگه وقتی قولی میدی به قولت عمل کن

ان العهد كان مسئولا... اگر عهدي با کسی بستی در مقابل این عهد و قول مسئولي هستی.

آیه ۵۸ سوره نساء می فرماید «ان الله يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ خداوند  
«به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید

اگر با آقای خامنه ای جلسه داشتی باز هم دیر می آمدی؟

در منزل مهمان داشتم، به آنان وعده داده بودم ساعت 6 خودم را می رسانم، ولی  
به دلیل مشکلات راه ساعت شش و نیم رسیدم. مهمان پرسید: «چرا دیر آمدی؟»  
«گفتم: «در راه چنین و چنان شد

«گفت: «سوالی دارم». گفتم: «بفرمایید

گفت: «اگر شما با مقام معظم رهبری ساعت شش ملاقات داشتی چه می  
«کردی؟»

»گفتم: «سر دقیقه می رسیدم

گفت: «پس پیدا است تو به من اهمیت نداده ای، تو به من ظلم کرده ای. من و امام  
»زمان (ع) از نظر حقوق اجتماعی مساوی هستیم، قول، قول است

شرمتده شده و معذرت خواهی کردم

خاطره از: حجت الاسلام قرائتی

## یک داستان

بازرگانی بود که سه دختر داشت، یک روز او می خواست به یک سفر طولانی  
برود، از دخترهایش پرسید

”چه چیزی دوست دارید تا از سفر برایتان بیاورم؟“

دختر بزرگتر گردنبندی از طلا، دختر وسطی انگشتری از الماس خواست اما  
دختر کوچکتر گفت

”برایم یک چکاوک آوازخوان بیاور“

بازرگان دخترهایش را بوسید، از آن ها خداحافظی کرد و به راه افتاد. موقع  
بازگشتن، مرد بازرگان گردنبند طلا و انگشتر الماس را خریده بود اما نتوانسته بود  
چکاوک آوازخوانی پیدا کند.

شیر و مرد بازرگان

او در سر راه خود به جنگلی رسید، صدایی شنید، این صدا، صدای یک چکاوک  
بود. با خوشحالی دنبال پرنده گشت و او را بالای درختی پیدا کرد اما همین که  
خواست پرنده را بگیرد، شیری راهش را بست و پرسید

”می خواستی چکاوک مرا بدزدی؟“

:مرد بازرگان از ترس کم مانده بود زهره ترک شود. گفت

بیخشید من نمی دانستم این پرنده مال شماست. دختر کوچکم آرزو دارد که  
”این پرنده را برایش ببرم“

:شیر با این حرف لحظه ای ساکت شد، بعد گفت

خیلی خوب، تو می توانی این پرنده را برای دختری ببری اما قول بده وقتی  
”در خانه را به رویت باز کردند، اولین کسی را که دیدی باید برای من بفرستی“

مرد بازرگان با خودش فکر کرد از کجا معلوم که دختر کوچکم در را به رویم  
باز کند، شاید یکی از خدمتکارانم در را باز کند. به هر حال او قبول کرد، پرنده  
را گرفت و به سوی خانه برد.

از قضا دختر کوچکتر در را به روی پدر باز کرد، مرد بازرگان هدیه دخترها را داد و غمگین در گوشه ای نشست. او نمی توانست به قولی که داده بود عمل نکند. پس ناچار شد ماجرا را برای دخترش تعریف کند. دختر کوچک تر با شنیدن این حرف گفت:

پدر عزیزم نگران نباش من نزد آن شیر می روم و کاری می کنم که مرا “نخورد

بازرگان قبول کرد اما ته دلش خیلی نگران بود. دختر به جنگل، نزد شیر رفت و گفت:

من دختر بازرگانی هستم که به تو قول داده بود، حالا آمده ام تا پدرم بد قول “نباشد

شیر تا این حرف ها را شنید، دور خودش چرخید و یک لحظه بعد، ناگهان به شکل مرد جوانی درآمد! آن وقت دست دختر که از تعجب دهانش باز مانده بود را گرفت و گفت:

تو و پدرت مرا نجات دادید. سال ها بود که دیوها مرا جادو کرده و به شکل شیر درآورده بودند، تنها یک آدم خوش قول می توانست این طلسم را بشکند و آن کس پدر تو بوده است.

حالا می خواهم مرا پیش پدرت ببری تا از نزدیک بازرگان خوش قول را بینم و تشکر کنم

قرآن میگه اگر امانتی بت دادند باید امانتداری کنی و آن را در وقتش برگردانی

«ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهله...خدا دستور می دهد امانت دار باشید.

امانت داری از نگاه ائمه معصوم (ع)

پیامبر اکرم (ص) فرمود «اگر کسی تو را امین دانست و امانتی به تو سپرد، آن را به «او بازگردان و اگر کسی به تو خیانت و دغل کاری کرد، تو به او خیانت نکن

همچنین حضرت علی (ع) می فرماید «برترین درجات ایمان یک انسان، امانت «داری و امین بودن او است

در راستای امانت داری امام زین العابدین (ع) می فرماید «عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ  
فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ  
عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامِ ائْتَمَنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَيْتُهُ إِلَيْهِ؛ بر شما باد که امانت را  
(به صاحبانش) بازگردانید. قسم به آن کس که محمد (ص) را به حق به پیامبری

فرستاد، اگر قاتل پدرم امام حسین (ع) شمشیری که با آن پدرم را شهید کرد، به  
«من امانت می سپرد آن را به او مسترد می کردم

همچنین امام جعفر صادق (ع) نیز در این خصوص فرمود «مَنْ أُؤْتِمِنَ عَلَى أَمَانَةٍ وَكَلَّ  
ابليسُ به مَاءَ شَيْطَانٍ مِنْ مَرَدَّةِ أَعْوَانِهِ لِيُضِلُّوهُ وَ يُوسَّسُوا وَ يُهْلِكُوهُ، إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ  
اللهُ؛ هر گاه کسی امانتی را به عهده گرفت، ابلیس صد شیطان سرکش خود را بر  
او می گمارد تا آنچنان وی را اغوا و وسوسه کنند تا به شقاوت و نگون بختی اش  
«منتهی گردد، مگر آن کس که خدا او را حفظ و مصونیت بخشد

حضرت علی (ع) فرمود «إِيَّاكَ وَالْخِيَانَةَ فَإِنَّهَا شَرُّ مَعْصِيَةٍ، وَإِنَّ الْخَائِنَ لَمُعَذَّبٌ بِالنَّارِ  
عَلَى خِيَانَتِهِ؛ بر حذر باش و از خیانت کردن پرهیز که خیانت بدترین گناهان  
است. آدم خیانکار به خاطر نامردی و خیانتش کیفر و عذاب او بدون تردید آتش  
«جهنم خواهد بود

پیامبر (ص) نیز در همین راستا فرمود «مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرُدَّهَا إِلَى أَهْلِهَا  
ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي؛ کسی که در دنیا در یک امانت خیانت

ورزد و به صاحبانش رد نکند تا اینکه مرگ او فرا برسد، او بر آئین من (اسلام)  
».نمرده است

همچنین امام باقر(ع) فرمود «۳ چیز است که خدای متعال در آنها برای کسی  
رخصتی قرار نداده؛ یعنی در مورد مؤمن و غیر مؤمن حکم آنها فرق نمی کند.  
».بازگرداندن امانت به انسان، وفای به عهد و نیکی کردن به پدر و مادر

خوشبختانه اکثر مردم امانتدار هستند . بارها تو اخبار دیدیم که راننده تاکسی یا  
پاکبان یا پلیس یا دیگری کیف پراز، طلا و پول پیدا می کنه ولی امانتداری می  
کنه و به صاحبش بر می گردونه....

حضرت علی (ع) می فرماید «برترین درجات ایمان یک انسان، امانت داری و  
امین بودن او است...»

## قران میگه حق نداری غیبت کنی

غیب حرام است با ادله اربعه. که قران می فرماید {ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یا کل لحم اخیه میتا} که مومن را مانند برادر و آبرویش را مانند گوشتش و تهمت به او را مانند خوردن گوشتش و اینکه او خبر ندارد را بمنزله موتش قرار داده است.

ایات دیگر در باره غیبت یکی ایه همزه اول. یکی ایه نساء 148 و ایه 19 نور - است.

اما روایات: فراوان است از جمله: حدیث نبوی که غیبت از زنا شدیدتر است. و اینکه بعد زنا میشود توبه کرد ولی بعد غیبت تا زمانی که غیبت شده حلال نکند غیبت کننده توبه اش قبول نمیشود. و حدیث نبوی که ربا گنااهش 36 زنا با مادر خودش است و آبروی مومن را بردن از ربا بدتر است. و حدیث نبوی که اگر غیبت کند تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمیشود مگر غیبت شده حلالش کند. و حدیث نبوی که اگر غیبت مومنی کند به عیبی که در اوست

خدابین غیبت شده با غیبت کننده در بهشت جمع نمیکند و اگر در عیبی که در او نیست غیبتش را کند عصمت بین آن دو پاره شده و غیبت کننده خالد در آتش جهنم خواهد ماند. و حدیث نبوی که دروغ گفته کسی که بگوید حلال زاده ام ولی گوشت مردم را با غیبت بخورد. پس از غیبت دوری کن که آن خورشت سگهای جهنم است. (مکاسب حرمه)

قرآن میگه نباید کم فروشی و گران فروشی کنی

و اوفوا الکیل والمیزان و لاتبخسوا الناس اشیا ثم

حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید (اعرف / 85)

## کم فروشی و اثرات آن از نظر قرآن و روایات

در قرآن مجید کرارا روی مسأله مبارزه با کم فروشی و تقلب در وزن و پیمانه تکیه و تأکید شده است. در یک جا رعایت این نظم را در ردیف نظام آفرینش در پهنه جهان هستی گذارده می گوید: «و السماء رفعها و وضع المیزان ألا تطغوا فی المیزان؛ خداوند آسمان را برافراشت و میزان و حساب در همه چیز گذاشت، تا شما در وزن و حساب تعدی و طغیان نکنید (رحمن / 7 و 8)

اشاره به اینکه مساله رعایت عدالت در کیل و وزن مساله کوچک و کم اهمیتی نیست، بلکه جزئی از اصل عدالت و نظم است که حاکم بر سراسر هستی است. در جایی دیگر با لحنی شدید و تهدید آمیز می گوید:

« ويل للمطففين الذين إذا اکتالوا علی الناس یستوفون، و إذا کالوهم أو وزنوهم

یخسرون، ألا یظن أولئک أنهم مبعوثون لیوم عظیم؛ وای بر کم فروشان! آنها که

به هنگام خرید، حق خود را بطور کامل می گیرند، و به هنگام فروش از کیل و

وزن کم می گذارند، آیا آنها گمان نمی کنند که در روز عظیمی برانگیخته

خواهند شد، روز رستاخیز در دادگاه عدل خدا (مطففین 1-3) »

حتی در حالات بعضی از پیامبران در قرآن مجید می خوانیم که لبه تیز مبارزه آنها

بعد از مساله شرک متوجه کم فروشی بود، و سرانجام آن قوم ستمگر اعتنایی

نکردند و به عذاب شدید الهی گرفتار و نابود شدند. اصولاً حق و عدالت و نظم و

حساب در همه چیز و همه جا یک اصل اساسی و حیاتی است، و همان گونه که

گفتیم اصلی است که بر کل عالم هستی حکومت می کند، بنابراین هر گونه

انحراف از این اصل، خطرناک و بد عاقبت است، مخصوصاً کم فروشی، سرمایه

اعتماد و اطمینان را که رکن مهم مبادلات است از بین می برد، و نظام اقتصادی را

به هم می ریزد.

بسیار جای تأسف است که گاه می بینیم غیرمسلمانان در رعایت این اصل از

بعضی از مسلمانان وظیفه ناشناس، پیشقدمترند، و سعی می کنند اجناسشان را

درست با همان وزن و پیمانه ای که روی آن نوشته اند بی کم و کاست به

بازارهای جهان بفرستند و اعتماد دیگران را از این راه جلب کنند. آری آنها می دانند که اگر انسان اهل دنیا هم باشد راهش همین است که در معامله خیانت نکند. این موضوع نیز قابل توجه است که از نظر حقوقی کم فروشان ضامن و بدهکار در برابر خریداران هستند و به همین جهت توبه آنها جز به ادای حقوقی را که غصب کرده اند ممکن نیست، حتی اگر صاحبانش را شناسند باید معادل آن را به عنوان رد مظالم از طرف صاحبان اصلی به مستمندان بدهند.

بسیار جای تأسف است که گاه می بینیم غیرمسلمانان در رعایت این اصل از بعضی از مسلمانان وظیفه ناشناس، پیشقدمترند، و سعی می کنند اجناسشان را درست با همان وزن و پیمانه ای که روی آن نوشته اند بی کم و کاست به بازارهای جهان بفرستند

نکته دیگر اینکه :

گاهی مساله کم فروشی تعمیم داده می شود به گونه ای که هر نوع کم کاری و کوتاهی در انجام وظائف را شامل می شود، به این ترتیب کارگری که از کار خود کم می گذارد، آموزگار و استادی که درست درس نمی دهد، کارمندی

که به موقع سر کار خود حاضر نمی شود و دلسوزی لازم را نمی کند، همه مشمول این حکمند و در عواقب آن سهیمند. البته الفاظ آیاتی که در بالا گفته شد مستقیماً شامل این تعمیم نیست، بلکه یک توسعه عقلی است ولی تعبیری که در سوره الرحمن خواندیم: «و السماء رفعها و وضع المیزان ألا تطغوا فی المیزان» اشاره ای به این تعمیم دارد. هم چنین خداوند در سوره اسراء آیه 35 در این زمینه می فرماید: «و أوفوا الكيل إذا کلتم وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر و أحسن تأویلاً؛ و به هنگامی که پیمانه می کنید حق پیمانه را ادا نمائید و با ترازوی درست وزن کنید این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است». حکم در این آیه در رابطه با عدالت در پیمانه و وزن و رعایت حقوق مردم و مبارزه با کم فروشی است می فرماید: "هنگامی که با پیمانه چیزی را می سنجید حق آن را اداء کنید و با میزان و ترازوی صحیح و مستقیم وزن کنید. چرا که این کار به سود شما است، و عاقبت و سرانجامش از همه بهتر است.

"قسطاس" به کسر قاف و ضم آن (بر وزن مقیاس و گاهی هم بر وزن قرآن نیز استعمال شده) به معنی ترازو است. بعضی آن را کلمه ای رومی، و بعضی عربی می دانند، و گاهی گفته می شود در اصل مرکب از دو کلمه "قسط" به معنی عدل و "طاس" به معنی کفه ترازو است، و بعضی گفته اند "قسطاس" ترازوی

بزرگ است در حالی که "میزان" به ترازوهای کوچک هم گفته می شود. به هر حال قسطاس مستقیم ترازوی صحیح و سالمی است که عادلانه وزن کند، بی کم و کاست! جالب اینکه در روایتی از امام باقر (ع) در تفسیر این کلمه می خوانیم: «هو المیزان الذی له لسان؛ قسطاس ترازویی است که زبانه دارد». اشاره به اینکه ترازوهای بدون زبانه حرکات کفه ها را به طور دقیق نشان نمی دهد، اما هنگامی که ترازو زبانه داشته باشد کمترین حرکات کفه ها روی زبانه منعکس می شود، و عدالت کاملاً رعایت می گردد.

### کم فروشی به عنوان یکی از مفاصد اقتصادی

خداوند در آیات 84 تا 86 سوره هود با اشاره به یکی از مفاصد اقتصادی کم فروشی می فرماید: »

و إلی مدین أأخاهم شعيبا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره و لا تنقصوا المکیال و المیزان إنی أراکم بخیر و إنی أخاف علیکم عذاب یوم محیط\* و یا قوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط و لا تبخسوا الناس أشياءهم و لا تعثوا فی الأرض مفسدین\* بقیت الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین و ما أنا علیکم بحفیظ؛ و به سوی (اهل) مدین برادرشان شعیب را فرستادیم، گفت ای قوم من! "الله" را پرستش کنید که جز او معبود دیگری برای شما نیست و پیمانۀ و وزن را کم

نکنید (و دست به کم فروشی ننزید) من خیر خواه شما هستم و من از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم! و ای قوم من!، پیمانه و وزن را با عدالت وفا کنید و بر اشیاء (و اجناس) مردم عیب مگذارید و از حق آنان نکاهید و در زمین فساد مکنید. سرمایه حلالی که خداوند برای شما باقی گذارده برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید، و من پاسدار شما (و مامور بر اجبارتان به ایمان) نیستم».

در این آیه به یکی از مفاصد اقتصادی که از روح شرک و بت پرستی سرچشمه می گیرد و در آن زمان در میان اهل "مدین" سخت رائج بود اشاره کرده و گفت: "به هنگام خرید و فروش پیمانه و وزن اشیاء را کم نکنید (و لاتنقصوا المکیال و المیزان) مکیال" و "میزان" به معنی پیمانه و ترازو است و کم کردن آنها به معنی کم فروشی و نپرداختن حقوق مردم است. رواج این دو کار در میان آنها نشانه ای بود از نبودن نظم و حساب و میزان و سنجش در کارهایشان، و نمونه ای بود از غارتگری و استثمار و ظلم و ستم در جامعه ثروتمند آنها. این پیامبر بزرگ پس از این دستور بلافاصله اشاره به دو علت برای آن می کند:

### نخست می گوید:

"قبول این اندرز سبب می شود که درهای خیرات به روی شما گشوده شود، پیشرفت امر تجارت، پائین آمدن سطح قیمتها، آرامش جامعه، خلاصه "من

خیر خواه شما هستم" و مطمئنم که این اندرز نیز سرچشمه خیر و برکت برای جامعه شما خواهد بود. ( اینی اراکم بخیر). این احتمال نیز در تفسیر این جمله وجود دارد که شعیب می گوید: "من شما را دارای نعمت فراوان و خیر کثیری می بینم" بنابراین دلیلی ندارد که تن به پستی در دهید و حقوق مردم را ضایع کنید و به جای شکر نعمت کفران نمائید.

## دیگر اینکه،

من از آن می ترسم که اصرار بر شرک و کفران نعمت و کم فروشی، عذاب روز فراگیر، همه شما را فرو گیرد" ( و اینی أخاف علیکم عذاب یوم محیط). " محیط" در اینجا صفت برای "یوم" است، یعنی یک روز "فراگیر" و البته فراگیر بودن روز به معنی فراگیر بودن مجازات آن روز است، و این می تواند اشاره به عذاب آخرت و همچنین مجازاتهای فراگیر دنیا باشد. بنا براین هم شما نیاز به این گونه کارها ندارید و هم عذاب خدا در کمین شما است پس باید هر چه زودتر وضع خویش را اصلاح کنید.

آیه بعد مجدداً روی نظام اقتصادی آنها تأکید می کند و اگر قبلاً شعیب قوم خود را از کم فروشی نهی کرده بود در اینجا دعوت به پرداختن حقوق مردم کرده، می گوید: "ای قوم! پیمانه و وزن را با قسط و عدل وفا کنید" (و یا قوم أوفوا

المکیال و المیزان بالقسط) و این اصل یعنی اقامه قسط و عدل و دادن حق هر کس به او باید بر سراسر جامعه شما حکومت کند. سپس قدم از آن فراتر نهاده، می گوید: "بر اشیاء و اجناس مردم عیب مگذارید، و چیزی از آنها را کم مکنید" (و لاتبخسوا الناس اشیاءهم). "بخس" (بر وزن نحس) در اصل به معنی کم کردن به عنوان ظلم و ستم است. و اینکه به زمینهایی که بدون آبیاری زراعت می شود "بخس" گفته میشود به همین علت است که آب آن کم است (تنها از باران استفاده می کند) و یا آنکه محصول آن نسبت به زمینهای آبی کمتر می باشد. و اگر به وسعت مفهوم این جمله نظر بيفکنیم دعوتی است به رعایت همه حقوق فردی و اجتماعی برای همه اقوام و همه ملتها، "بخس حق" در هر محیط و هر عصر و زمان به شکلی ظهور می کند، و حتی گاهی در شکل کمک بلاعوض! و تعاون و دادن وام! (همانگونه که روش استعمار گران در عصر و زمان ما است). در پایان آیه باز هم از این فراتر رفته، می گوید: "در روی زمین فساد مکنید" (و لا تعثوا فی الأرض مفسدین). فساد از طریق کم فروشی، فساد از طریق غصب حقوق مردم و تجاوز به حق دیگران، فساد به خاطر برهم زدن میزانهای مقیاسهای اجتماعی، فساد از طریق عیب گذاشتن بر اموال و اشخاص، و بالاخره فساد به خاطر تجاوز به حریم حیثیت و آبرو و ناموس و جان مردم!.

جمله "لا تعثوا" به معنی فساد نکنید است

بنابراین ذکر "مفسدین" بعد از آن به خاطر تأکید هر چه بیشتر روی این مسأله است. دو آیه فوق این واقعیت را به خوبی منعکس می کند که بعد از مسأله اعتقاد به توحید و ایدئولوژی صحیح، یک اقتصاد سالم از اهمیت ویژه ای برخوردار است، و نیز نشان می دهد که بهم ریختگی نظام اقتصادی سرچشمه فساد وسیع در جامعه خواهد بود. سرانجام به آنها گوشزد کرد که افزایش کمیت ثروت - ثروتی که از راه ظلم و ستم و استثمار دیگران بدست آید - سبب بی نیازی شما نخواهد بود، بلکه "سرمایه حلالی که برای شما باقی می ماند هر چند کم و اندک باشد اگر ایمان به خدا و دستورش داشته باشید بهتر است. تعبیر به "بقیة الله" یا به خاطر آن است که سود حلال اندک چون به فرمان خدا است "بقیة الله" است. و یا اینکه تحصیل حلال باعث دوام نعمت الهی و بقای برکات می شود. و یا اینکه اشاره به پاداش و ثوابهای معنوی است که تا ابد باقی می ماند هر چند دنیا و تمام آنچه در آن است فانی شود، آیه 46 سوره کهف: «و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا و خیر أملا؛ و نیکی های ماندگار، ثوابش نزد پروردگار تو بهتر و امید بخش تر است» نیز اشاره به همین است. و تعبیر به «إن کتم مؤمنین» اگر ایمان داشته باشید اشاره به این است که این واقعیت را تنها کسانی درک می کنند که ایمان به خدا و حکمت او و فلسفه فرمانهایش داشته باشند.

## کم فروشی از عوامل فساد در ارض

در آیات قرآن مجید کرارا از کم فروشی نکوهش شده، گاه در داستان شعیب (ع) در آنجا که قوم را مخاطب ساخته، می گوید: «أوفوا الكيل و لا تكونوا من المخرين و زنوا بالقسطاس المستقیم و لا تبخسوا الناس أشياءهم و لا تعثوا فی الأرض مفسدین؛ حق پیمانہ را ادا کنید، و دیگران را به خسارت میفکنید، با ترازوی صحیح وزن کنید، و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین فساد نکنید» ( شعراء / ( 181-183 ) )

به این ترتیب کم فروشی و ترک عدالت به هنگام پیمانہ و وزن را در ردیف فساد در زمین شمرده است، و این خود دلیلی به ابعاد مفسد اجتماعی این کار است. و نیز در آیه 7 و 8 سوره الرحمن رعایت عدالت در وزن را همردیف عدالت در نظام آفرینش در عالم جهان هستی گذارده، می فرماید: «و السماء رفعها و وضع المیزان ألا تطغوا فی المیزان؛ خداوند آسمان را برافراشت و میزان و حساب در همه چیز گذاشت تا شما در وزن و حساب طغیان نکنید» اشاره به اینکه مساله رعایت عدل در سنجش مساله کوچک و کم اهمیتی نیست، بلکه در حقیقت جزئی از اصل عدالت و نظم کلی حاکم بر سراسر عالم هستی است.

و به همین دلیل پیشوایان بزرگ اسلام به این مساله اهمیت فراوانی می دادند، تا آنجا که در روایت معروف اصبع بن نباته آمده است که می گوید: از علی (ع) شنیدم که بر فراز منبر می فرمود: «یا معشر التجار! الفقه ثم المتجر؛ ای گروه تجار! اول فقه بیاموزید، و سپس تجارت کنید.» و این سخن را امام (ع) سه بار تکرار فرمود ... و در پایان این کلام فرمود: «التاجر فاجر، و الفاجر فی النار، الا من اخذ الحق و اعطى الحق؛ تاجر فاجر است و فاجر در دوزخ است مگر آنها که به مقدار حق خویش از مردم بگیرند و حق مردم را بپردازند. ( کافى جلد 5 باب آداب التجارة حديث 1)

و در حدیث دیگری از امام باقر (ع) نقل شده است: " هنگامی که امیر مؤمنان علی (ع) در کوفه بود همه روز صبح در بازارهای کوفه می آمد و بازار به بازار می گشت و تازیانه ای (برای مجازات متخلفان) بر دوش داشت در وسط هر بازار می ایستاد و صدا می زد: " ای گروه تجار! از خدا بترسید!" هنگامی که بانگ علی (ع) را می شنیدند هر چه در دست داشتند بر زمین گذاشته و با تمام دل به سخنانش گوش فرا می دادند، سپس می فرمود: «قدموا الاستخاره و تبرکوا بالسهوله، و اقتربوا من المبتاعين، و تزينوا بالحلم، و تناهوا عن اليمين، و جانبوا

الكذب، و تجافوا عن الظلم و انصفوا المظلومين، و لا تقربوا الربا، و اوفوا الكيل و الميزان، و لا تبخسوا الناس اشيائهم، و لا تعثوا فى الارض مفسدين؛

از خداوند خیر بخواهید، و با آسان گرفتن کار بر مردم برکت بجوئید، و به خریداران نزدیک شوید، حلم را زینت خود قرار دهید، از سوگند پرهیزید، از دروغ اجتناب کنید، از ظلم خودداری نمائید، و حق مظلومان را بگیرید، به ربا نزدیک نشوید، پیمانه و وزن را به طور کامل وفا کنید، و از اشیاء مردم کم نگذارید، و در زمین فساد نکنید!». و به این ترتیب در بازارهای کوفه گردش می کرد، سپس به دارالاماره باز می گشت و برای دادخواهی مردم می نشست (کافی باب آداب التجاره حدیث 3 «با کمی اختصار)

### **کم فروشی باعث نابودی**

و نیز همان گونه که در شأن نزول آیات نیز آمده پیغمبر اکرم ( ص ) می فرماید: " هر گروهی کم فروشی کنند خداوند زراعت آنها را از آنها می گیرد، و گرفتار قحطی می شوند!" از مجموع آنچه در بالا گفته شد استفاده می شود که یکی از عوامل مهم نابودی و عذاب بعضی از اقوام گذشته مساله کم فروشی بوده است که موجب به هم خوردن نظام اقتصادی آنها، و نزول عذاب الهی شده. حتی در روایات اسلامی در آداب تجارت آمده است که مؤمنان بهتر است به هنگام پیمانه

و وزن کمی بیشتر بدهند، و به هنگام گرفتن حق خود کمی کمتر بگیرند (درست بر عکس کار کسانی که در آیات فوق به آنها اشاره شده است که حق خود را به طور کامل می گیرند و حق دیگران را به طور ناقص می پردازند) (جلد 12 وسائل الشیعه، ابواب التجاره باب 7 صفحه 290). از سوی دیگر مساله کم فروشی به عقیده بعضی معنی وسیعی دارد که هر گونه کم و کسر گذاردن در کار و انجام وظائف فردی و اجتماعی و الهی را شامل می شود. "وای بر کم فروشان!" این در حقیقت اعلان جنگی است از ناحیه خداوند به این افراد ظالم و ستمگر و کثیف که حق مردم را به طرز ناجوانمردانه ای پایمال می کنند. "

## نتیجه کم فروشی

خداوند در آیات 1 تا 6 سوره مطففین با اشاره به اثرات کم فروشی می فرماید: «وَلِلْمُطَفِّفِينَ\* الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ\* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ\* أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ\* لِيَوْمٍ عَظِيمٍ\* يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وای بر کم فروشان. آنها که وقتی برای خود خود کیل می کنند حق خود را به طور کامل می گیرند. اما هنگامی که می خواهند برای دیگران کیل یا وزن کنند کم می گذارند! آیا آنها باور ندارند که برانگیخته می شوند. در روزی بزرگ. روزی که مردم در پیشگاه رب العالمین می ایستند».

در این آیات قبل از هر چیز کم فروشان را مورد تهدید شدیدی قرار داده، می فرماید "وای بر کم فروشان!" این در حقیقت اعلان جنگی است از ناحیه خداوند به این افراد ظالم و ستمگر و کثیف که حق مردم را به طرز ناجوانمردانه ای پایمال می کنند. "

مطففین "از ماده" تطفیف "در اصل از" طف "گرفته شده که به معنی کناره های چیزی است، و اینکه سرزمین "کربلا" را وادی طف می گویند به خاطر این است که در ساحل فرات واقع شده، سپس به هر چیز کمی واژه "طفیف" اطلاق شده است، همچنین به پیمانه ای که پر نباشد یعنی محتوایش به کناره های آن رسیده اما مملو نشده است نیز همین معنی اطلاق می شود، و بعد این واژه در کم فروشی به هر شکل و به هر صورت استعمال شده. "ویل" در اینجا به معنی "شر" یا "غم و اندوه" یا "هلاکت" یا "عذاب دردناک" و یا "وادی سخت و سوزانی در دوزخ" است، و معمولاً این واژه به هنگام نفرین و بیان زشتی چیزی به کار می رود، و یا اینکه تعبیری است کوتاه اما مفاهیم زیادی را تداعی می کند.

قابل توجه اینکه در روایتی از امام صادق (ع) آمده که خداوند "ویل" را درباره هیچکس در قرآن قرار نداده مگر اینکه او را کافر نام نهاده همانگونه که می فرماید: «فویل للذین كفروا من مشهد يوم عظیم: وای بر کافران از مشاهده روز

بزرگ ( اصول کافی مطابق نقل نورالثقلین جلد 5 صفحه 527 ). از این روایت استفاده می شود که کم فروشی بوی کفر می دهد! سپس به شرح کار "مطففین" و کم فروشان پرداخته می فرماید: " آنها کسانی هستند که وقتی می خواهند برای خود کیل کنند حق خود را به طور کامل می گیرند (الذین إذا اکتالوا علی الناس یستوفون). تعبیر به " علی الناس " در اینجا اشاره به آن است که حق بر مردم دارند و در تقدیر «اذا کالوا ما علی الناس» بوده، و اصولاً " کال علیه " در جایی گفته می شود که هدف از کیل گرفتن حق است و اما " کاله " و همچنین " کال له " مربوط به جایی است که منظور از کیل پرداختن حق دیگری باشد. " اما هنگامی که می خواهند برای دیگران کیل یا وزن کنند کم می گذارند " و إذا کالوهم أو وزنوهم یخسرون» .

جمعی از مفسران از آیات فوق چنین استفاده کرده اند که :

منظور از "مطفف" کسی است که به هنگام خرید بیش از حق خود می گیرد، و به هنگام فروش کمتر از حق می دهد، لذا خداوند به خاطر هر دو جهت " ویل " را بر آنها نهاده. ولی این اشتباه است، زیرا تعبیر " یستوفون " مفهومش این است که حق خود را به طور کامل می گیرند، و چیزی که دلالت بر اضافه بر حق کند در این عبارت نیست، و اینکه می بینیم خداوند آنها را مذمت کرده در مقایسه این

دو حالت با یکدیگر است که به هنگام خرید حق را به طور کامل می گیرند، و به هنگام فروش ناقص می دهند، درست مثل این است که در مقام مذمت کسی می گوئیم: "هر گاه طلبی از کسی داشته باشد سر موعد آن را می گیرد، اما اگر بدهکار باشد ماهها تأخیر می اندازد" با اینکه گرفتن طلب در رأس موعد کار بدی نیست، کار بد در مقایسه این دو با یکدیگر است. قابل توجه اینکه: در مورد گرفتن حق تنها سخن از "کیل" است ولی در مورد پرداختن سخن از "کیل" و "وزن" هر دو به میان آمده، این تفاوت تعبیر ممکن است به یکی از دو دلیل زیر باشد:

### نخست اینکه :

خریداران عمده در زمانهای گذشته بیشتر از "کیل" استفاده می کردند، زیرا ترازوهای بزرگی که بتواند وزنهای زیاد را بسنجد وجود نداشت، اما پیمانه های بزرگ به آسانی یافت می شد (در باب "کر" نیز گفته اند که این واژه در اصل نام پیمانه بزرگی بوده است). ولی به هنگام فروش هم عمده فروشی داشتند (با کیل) و هم خرده فروشی (با وزن).<sup>۱</sup>

---

<sup>1</sup> <https://ahlolbait.com/content/3618/%D8%A9%D9%85-%D9%81%D8%B1%D9%88%D8%B4%DB%8C-%D9%88-%D8%A7%D8%AB%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D8%A2%D9%86-%D8%A7%D8%B2-%D9%85%D9%86%D8%B8%D8%B1-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AB>

قرآن می‌گه به پدر و مادرت نیکی کن

۱۴ بار سفارش پدر و مادر

بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۸۳ بقره ۱ 

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (۳۶) نساء ۲۰ 

وَبِرًّا بِوَالِدَيْهِ.. (۱۴) مریم ۳۰ 

وَبِرًّا بِوَالِدَتِي... (۳۲) مریم ۴۰ 

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ... (٤١) ابراهيم. ٥. 

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ... (٢٨) نوح.. ٦. 

وبالوالدين احسانا... ١٥١ انعام. ٧. 

ووصينا الانسان بوالديه حسنا. ٨. عنكبوت. ٨. 

وصينا الانسان بوالديه... ١٤ لقمان. ٩. 

ما انفقتم من خير فللوالدين... ٢١٥ بقره. ١٠. 

الوصية للوالدين... ١٨٠ بقره. ١١. 

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.. (۲۳) اسراء ۱۲. 🌸

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا. ۱۳. 🌸  
(۲۴)

والذی قال لوالدیه اف لکما... ۱۷ احقاف. ۱۴. 🌸

آنان که به والدین توهین میکنند عذاب میشوند

ثواب حجّ نرفته در نامه اعمالم

با تعجب دیدم که ثواب حج در نامه عمل من ثبت شده! به مأمور الهی با 🌀  
لبخندی از سر تعجب گفتم: حج؟! من این اواخر مکه رفتم، در سنین نوجوانی  
کی مکه رفتم که خبر ندارم؟! گفتم: برخی اعمال باعث می شود که ثواب  
چندین حج در نامه عمل شما ثبت شود. مثل اینکه از سر مهربانی به پدر و مادرت  
نگاه کنی. یا مثلاً زیارت با معرفت امام رضا علیه السلام و...

کتاب سه دقیقه در قیامت (تجربه نزدیک به مرگ) 

قران خیلی روی نیکی به والدین تاکید داره بطوری که

بعد شهادت به تو حید، به نیکی به والدین تاکید شده است.

اگر کسی کارهای خوب زیادی بکند ولی والدینش را ناراحت کند این فرد  
جهنمی است.

قران میگه انتقام گرفتن حقه. قصاص حقه ولی اگر ببخشی نیکی کردی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ  
وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى فَمَنْ عَفَى لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ۗ  
ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای اهل ایمان! در مورد کشته شدگان بر شما قصاص مقرر و لازم شده: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن. پس کسی که [مرتکب قتل شده چنانچه] از سوی برادر [دینی] اش [که ولی مقتول است] مورد چیزی از عفو قرار گرفت [که به جای قصاص، دیه و خون بها پرداخت شود] پس پیروی از روش شایسته و پسندیده [نسبت به وضع مادی قاتل بر عهده عفو کننده است]، و پرداخت دیه و خون بها با نیکویی و خوش رویی [بر عهده قاتل است]. این [حکم] تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان؛ پس هر که بعد از عفو، تجاوز کند [و به قصاص قاتل برخیزد] برای او عذابی دردناک است.

در این ایه اشاره شده که میتونی قصاص کنی ولی اگر ببخشی پیش خدا به عنوان ادم نیکوکار هستی.

قرآن میگه نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد

وَأَحْسِنُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

بقره ایه 195

احسان و نیکوکاری کل کارهای نیک را در بر می گیرد از انفاق مالی تا قرض دادن تا وساطت برای از بین بردن اختلافات تا صله ارحام و...

یک داستان

آیت العظمی بروجردی که متوفای ۱۳۴۰ هستند خودشان می فرمودند بروجرد که بودم یک شب خوابی دیدم در مجلسی با حضور پیامبر گرامی اسلام و علمای تراز اول و نمره یک ها که درجه اول بودند نیز حضور داشتند اما نزدیک ترین فرد به ایشان آقاسید جواد بروجردی است ایشان جد سوم آیت الله العظمی بروجردی نشسته اند

عزیزانی که بروجرد هستند یا رفته اند قبر ایشان اکنون محل زیارت مردم است بروجردی ها خیلی به ایشان اعتقاد دارند کنار قبر ایشان نذر می کنند و زیارت می کنند

اگر گذرتان به بروجرد افتاد قبرش معروف است ( جد سوم آیت الله بروجردی !  
(

ایشان می گوید دیدم ایشان نشسته بغل منبر

ایشان بلحاظ علمی خیلی یک نبود و در آن جلسه علما درجه یک هم بودند که  
از لحاظ علمی از ایشان بالاتر بودند آقای بروجردی می فرماید در خواب به خود  
گفتم چه شده که نزدیک ترین فرد به پیغمبر فلانی است و دیگران وسط نشسته  
اند یا گوشه نشسته اند خود رسول الله صل الله علیه و آله متوجه من شدند و  
فرمودند ایشان به دنبال کار خیر می دوید نمی نشست خیر به دنبالش بیاید  
بعضی منتظرند مثلاً به ایشان بگویند این جهاز دختر است کمک کن می گوید (   
باشه

اما یک کسی وقت راه میفته می گوید کی جهاز دختر می خواد ؟

افرادی که نیکوکارند اینها محبوب خدا هستند.

متأسفانه افراد نیکوکار کم هستند. و اکثر مردم دنبال کارهای خود و خانواده خود  
هستند. و کاری به رفع مشکل دیگران ندارند. در حالی که نیکوکار بودن برکات

فراوانی برای انسان دارد. هم کفاره گناهان است هم باعث رفع شرها و گرفتاری  
های فرد نیکوکار میشود هم باعث تقرب الی الله است.

قرآن میگه درسته که شکل و ظاهر تون باهم فرق داره ولی فقط اونی پاک تره

ارزشش بیشتره

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ ۖ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

حجرات ایه 13

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرامی ترین شما نزد خدا پرهیز کارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است.

یعنی سفید و سیاه بودن. آسیایی یا اروپایی بودن باعث برتری نمیشه. بلکه هرکسی پاک تره و اهل گناه و خلاف نیست اون پیش خدا برتره  
در نتیجه باید گفت:

اگر زنی زیبا بود وزنی نازیبا ولی زن نازیبا از زن زیبا، باتقوا تر بود ان نازیبا نزد خدا عزیز تر از زن زیباست! اگر مردی ثروتمند بود و مرد دیگر فقیر ولی مرد فقیر تقوایش از ثروتمند بیشتر بود مرد فقیر نزد خدا عزیز تر است! ابر شخصی سرلشکر

بود و شخص دیگر سرباز! ولی سرباز تقوایش از سرلشکر بیشتر بود خدا ان سرباز را دوست دارد و ان سرباز نزد خدا عزیز است. اگر شخصی علامه بود و شخص دیگر طلبه مبتدی. ولی طلبه مبتدی تقوایش از علامه بیشتر بود خداوند ان طلبه را بیشتر دوست دارد. اگر اقایی وزیر بود و اقای دیگر آبدارچی! اما تقوای آبدارچی بیشتر باشد او نزد خدا، عزیزتر از ان سرلشکر است. اگر شخصی طایفه و قوم و قبیله دارد ولی شخص دیگری بی کس است ولی ان بی کس، تقوایش بیشتر از آن فرد دارای قوم و قبیله است او نزد خدا از این ادم مهم، عزیزتر است. اقایی است چند دهنه پاساژ و مغازه دارد و دیگری مغازه کوچکی اجاره کرده است ولی تقوایش بیشتر ان پاساژدار است. ان مرد از این پاساژدار، نزد خدا عزیزتر است. اقایی است ورزشکار و دارای قدرت بدنی بالا و دیگری ادم لاغری بی جون! اما این ادم بی جون، تقوایش از ان مرد قوی بیشتر است. او نزد خدا، از این ادم قوی عزیزتر است. دوتا برادر هستند یکی بی تقوا ولی فوق فوق تخصص مغز و اعصاب! اما دیگری ادم معمولی و هیچ تخصصی ندارد! ولی تقوایش از برادر فوق فوق تخصصش بیشتر است. این ادم عادی نزد خدا، عزیزتر از دیگری است. دوتا خواهر هستند یکی ازدواج کرده و زندگی خوبی دارد و خواهر دیگر مجرد مانده و موفق به ازدواج نشده است ولی تقوایش از او خواهر بیشتر است او نزد خدا عزیزتر از خواهر متاهلش است! و...

قران میگه فحاشی نکنید و باهم به زیبایی سخن بگید

قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا

با مردم خوب سخن بگویید

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ

گفتار خوب و عفو و آمرزش (لغزش فقیر) بهتر است از صدقه ای که از پی آن

آزاری باشد و خداوند بی نیاز و حلیم است

وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ  
«عَدُوًّا مُّبِينًا».

بگو بر بندگان من (که به یکدیگر و درباره یکدیگر) آنچه که خوبتر است

بگویند که شیطان بین آنان فساد می کند و شیطان برای انسان دشمنی واضح و

آشکار است

از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): کسی که مردم به خاطر زشتگوئیش از

همنشینی و معاشرت با او بدشان بیاید مسلماً از بدترین بندگان خداست

امام صادق (علیه السلام): گروه شیعه! زینت ما باشید و نه عیب ما، و برای مردم خوبی بگویید و زبانهایتان را نگهدارید و آن را از سخن زائد و گفتار زشت باز دارید.

از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): همانا خداوند زشتگوی بد زبان را دشمن می دارد.

متأسفانه افرادی هستند که بد زبان هستند. به هم فحش میدهند. هم رو به اسم بد صدا میزنند. مثلاً بهم میگویند حرامزاده!

و حرفای بد بهم میزنند و احترام هم رو نگه نمیدارند و با حرفاشون دیگران رو ازار میدهند.

بعضی خانم ها میگویند شوهرمون بمون فحش میده!

بعضی کارگرا می گویند صاحب کارمون بما ناسزا میگه

بعضی دانش آموزها میگویند معلم بما حرف بد میزنه مثلاً میگه گاوا! نفهم و...

اینها از نظر قرآن مردود هستند و اهل جهنمند. حتی اگر ثروتمند یا رئیس باشند.

بعضی زنها شوهر ازارندو با زبانشان مرتب شوهر و اذیت می کنند!

امام ششم فرمود: ملعون است زنی که همسرش را بیازارد و وی را غمگین و غصه دار کند، و خوشبخت است خوشبخت زنی که احترام شوهر را نگه دارد و وی را . نیازارد و در هر حال از وی اطاعت نماید

